

یادداشت «محمدتقی فهیم»، منتقد سینما

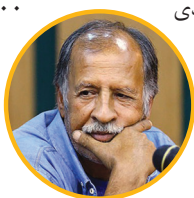
اگر جوان‌ها ورود نکنند سینما اسیر کارهای لاغر می‌شود

من سال‌هاست کارشناس سینمایی بنیاد شهید هستم. بسیاری از این فیلمنامه‌ها را که به عناوین مختلف به شهید، جبهه و... ارتباط دارد و به نوعی به بنیاد شهید ورود می‌کند را می‌خوانم. برای مثال فیلم «مسیح پسر مریم» ساخته علی جعفرآبادی را من ندیدم اما یک ماه و نیم پیش کاملا قصه‌اش را شخصی برای من تعریف کرد که داستان این فیلم بازسازی زندگی قیصر است. نمی‌دانم حالا که ساخته شده دقیق همان است یا نه اما ما در سینما هستیم و ارتباط داریم. علاوه بر این روزی حدود ۲۰۰ پیام برای صفحه شخصی من در اینستاگرام می‌آید. در کل می‌خواهم بگویم فیلمنامه‌هایی که به نهادهای دولتی داده می‌شود را نمی‌توان نگه داشت. اگر کسی می‌خواهد داستان فیلمش را ندانند باید آن را در صندوق خانه‌اش نگه دارد و با بودجه خودش آن را بسازد.

گاهی ممکن است در پروژه‌ها عواملی باشند که فیلم را لو بدهند. برای مثال یکی به همسرش می‌گوید، همسرش هم به دوستش می‌گوید و دهان به دهان می‌چرخد. من سالی ۱۰۰ تا ۱۵۰ فیلمنامه را می‌خوانم نه اینکه لزوما همه را کارشناسی کنم اما گاهی برخی از دوستانم برایم می‌فرستند و می‌گویند «فهیم» نگاهی ببنداز و نظرت را بگو.

من در سه نهاد مختلف جزو شوراهای بودم و طبیعی است که داستان خیلی از فیلم‌ها را می‌دانم. حاشیه درست کردن پیرامون این مسائل بی‌انصافی است چرا که عده‌ای دنبال موج و تبلیغات برای فیلمشان هستند. بدتر از این جریانات سیاسی است. عده‌ای کنار رفته‌اند و عده دیگری جای آن‌ها آمده‌اند. در سینما شاهد هستیم که برخی با بودجه‌های عمومی بزرگ شده‌اند حتی یک ریال وارد این سینما نکرده‌اند اما حالا صاحب دم و دستگاه شده‌اند در این شرایط ممکن است منافع این افراد به خطر بیفتد به همین دلیل به دنبال برخی حواشی هستند در حقیقت قصد دارند از این نمذ کولاهی برای خودشان بسازند. به هر حال مسائل سیاسی و عملکرد بد برخی از مدیران هم موجب این شرایط شده است. فکر می‌کنم یکی از اشکالات عمده این است که جریانات سیاسی جدید نتوانسته یک جریان رسانه‌ای هم قد و قامت خودش راه بیندازد.

زمان دولت آقای «روحانی» دو روز فرصت ندادند تا مدیران در مراکز بخش‌های مختلف سینما، کلاسورهای خودشان را جمع کنند. می‌خواهم بگویم این جریانات هم وجود دارد. بنابراین این اشکالات همه دست به دست هم می‌دهند که جشنواره را وارد فاز شکنندگی و آسیب‌پذیری کنند. اما خوشبختانه جشنواره راه خودش را می‌رود. آقای «محمد خزاعی» و تمام بچه‌ها تجربه دارند و حتما این مسائل را پیش سر خواهند گذاشت. باید بگویم من در مجموع به جشنواره امیدوار هستم و سینما را در حال پوست انداختن می‌بینم.



**علی رغم اینکه بخش فیلم
اولی‌ها حذف شده اما همچنان
شاهدیم که هفت فیلم اولی در
کنار کارگردان‌های قدیمی‌تر
توانستند خودشان را بالا بکشند
و به جشنواره راه پیدا کنند**

اما همچنان شاهدیم که هفت فیلم اولی در کنار کارگردان‌های قدیمی‌تر توانستند خودشان را بالا بکشند و به جشنواره راه پیدا کنند. این اتفاق بسیار مهمی است چون کاملا روشن است که آینده برای جوان‌ها است و سینما کار سخت و جوانانه‌ای است. طبیعتا فیلمسازان مسن‌تری مثل «اسکور سیزی»، «کلینت ایستوود» و در ایران خودمان مانند «مسعود کیمیایی» می‌توانند فیلم بسازند اما ما راجع به استثناها حرف نمی‌زنیم. قاعده جریان فیلمسازی، هم در کشور ما، هم در جهان گروه سنی جوان ۲۰ تا ۵۰ سال است.

اگر جوان‌ها ورود نکنند سینما اسیر کارهای لاغر می‌شود. حضور آن‌ها سینما را به سمت ژانر اکشن، اجتماعی، معمایی و هیجان می‌برد. کارهایی که احتیاج به یک جوان دارد و اگر نه هر کسی دوست دارد روی صندلی کارگردانی بنشینند و یک فیلم آپارتمانی و اجتماعی را در باغ و شمال هدایت کند. در مجموع همین که جوان‌ها به جشنواره آمدند مهم است. تا آنجایی که من یکی از فیلم‌ها را کامل و بعضی‌ها را تاحدوی دیدم، متوجه شدم فیلم‌ها و فیلمسازان جوان از منظر تکنیک حرف‌های زیادی برای گفتن دارند. حتی فرم و ساختار می‌شناسند. چیزی که متأسفانه دیگر در فیلمسازان سنتی ما وجود ندارد چرا که اساسا از فرم دور شده‌اند اگر هم کار می‌کنند به شدت محتسوا زده و درگیر چیزهای کهنه می‌شوند.

دیدن برخی فیلم‌ها و حواشی برنامه هفت

این یک حاشیه بود که درست شد. من از فیلم‌های بخش مسابقه فقط یک کار را دیدم. من همانطور که در «برنامه هفت» هم گفتم فقط فیلم‌های غیر بخش مسابقه را دیدم. گفت‌وگوی ما با آقای «طوسی» در خصوص فیلم‌های پذیرفته نشده بود. ای‌شان سر فصل بحث را باز کردند و اشاره به یکی دوتا از کارها داشتند.

ببینید بهتر است این قضیه را روشن کنم. از این ۲۲ فیلم جشنواره، من موضوع ۱۲-۱۰ فیلمنامه را بدون اینکه فیلم را دیده باشم می‌دانم. سینمای ما یک سینمای دولتی است اغلب فیلم‌های بخش مسابقه، فیلم‌هایی هستند که با سرمایه‌های بخش عمومی و دولتی ساخته شده‌اند. فیلمنامه‌هایی که به این بخش‌ها ارائه می‌شوند فقط در نهادهای دولتی خوانده نمی‌شوند. برای مثال آقای «محمد رضا شفیعی» فیلمنامه‌ای در خصوص شهید بهشتی برای جایی فرستاده بود ایشان علاوه بر آن جا به سه جای دیگر هم آن کار را ارائه دادند که مثلا من در یکی از آن فضاها کارشناس سینمایی بودم و طرح را خواندم. نباید فیلمسازها توقع داشته باشند وقتی فیلمنامه خودشان را به چند نهاد دولتی ارائه می‌دهند هیچکس آن را نخواند طبیعتا مدیران نهادهای دولتی خودشان در سطح تخصصی نیستند و مشاورانشان آن را می‌خوانند.



به نظرم جشنواره چندان تفاوتی به لحاظ کلی ندارد تقریبا ما هر سال شاهد فیلم‌های ضعیف، قوی، اعتراض به اعضای هیئت انتخاب و حاشیه‌های متفاوتی هستیم. اما اگر قرار باشد تفاوت‌هایی قائل باشیم خواهی نخواهی امسال به لحاظ ساختاری بخش فیلم اولی‌ها حذف شده و تا الان که شاهد هستیم مسابقه با ۲۲ فیلم فیکس شده است.

جشنواره امسال به سراغ ارزیابی فیلم‌ها بدون توجه به اینکه فیلم چندم یک فیلمساز است رفته است. در حقیقت در جشنواره فجر امسال افراد باهم مقایسه نمی‌شوند، ما شاهد رقابت فیلم‌ها باهم هستیم. این اتفاق معمولا در سابقه جشنواره فجر وجود نداشت و همواره آدم‌ها باهم سنجیده می‌شدند. معمولا فیلم اولی‌ها را جدا می‌کردند و برای آن‌ها سیمرغ در نظر می‌گرفتند در حالی که همه این‌ها فیلم هستند. ما باید از تماشای یک فیلم لذت ببریم. فیلم باید بتواند روی پای خودش قرار بگیرد. مثل «سعید روستایی» که با فیلم اولش بسیار مطرح شد. بسیاری از کارگردان‌های باسابقه ممکن است اثرشان به مراتب از فیلم اولی‌ها نازل‌تر باشد و سطح کیفی پایین‌تری داشته باشد. بنابراین به نظرم فیلم‌ها باید فارق از جریانات، لابی‌ها و افراد پشت سر آن، باهم سنجیده شوند.

هفت فیلم اولی در فجر چهلم

علی‌رغم اینکه بخش فیلم اولی‌ها حذف شده